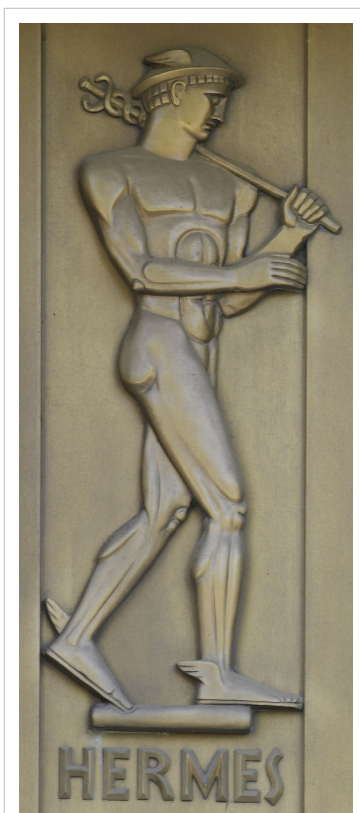


## هرمنوتیک



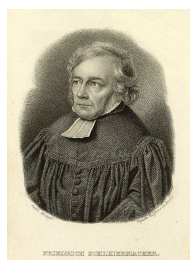
هرمس؛ پیام‌گزار خدایان یونان

**هرمنوتیک** (به انگلیسی: *Hermeneutics*) دانشی است که به «فرایند فهم یک اثر» می‌پردازد و چگونگی دریافت معنا از پدیده‌های گوناگون هستی اعم از گفتار، رفتار، متون نوشتاری و آثار هنری را بررسی می‌کند. دانش هرمنوتیک با نقد روش‌شناسی، می‌کوشد تا راهی برای «فهم بهتر» پدیده‌ها ارائه کند؛ اگرچه گروهی از نظریه‌پردازان هرمنوتیک، با ایجاد و تبیین «روش» در مسیر فهم مخالفند و «فهمیدن» را یک واقعه می‌دانند که قابل اندازه‌گیری و روش‌مندسازی نیست. به زبان ساده‌تر، دانش هرمنوتیک به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا روش و راهکاری وجود دارد تا خوانندگان یک متن و یا بینندگان یک اثر هنری، با به‌کارگیری آن روش، به دریافت معنای ثابت و مشخصی از آن اثر یا متن دست یابند؛ یا این که درک و فهم هر مخاطبی مختص اوست و با دیگری تفاوت دارد. در برابر واژه هرمنوتیک، بیشتر از کلمه «تفسیر» و یا «تأویل» استفاده می‌شود، هرچند که این دو لفظ، ترجمه‌های مناسبی برای واژه هرمنوتیک نیستند.<sup>[1]</sup>

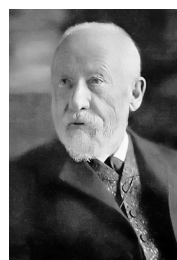
### ریشه‌شناسی

هرمنوتیک، از فعل یونانی (*Hermeneuein*) به معنای «تفسیر کردن» اشتقاق یافته<sup>[2]</sup> و با واژه هرمس (خدای پیام‌رسان یونانیان) دارای ریشه مشترک است. هرمس واسطه‌ای بود که به عنوان مفسر و شارح، محتوای پیام خدایان را که ماهیت آن فراتر از فهم آدمیان بود، برای آنها به گونه‌ای قابل درک درمی‌آورد.<sup>[3]</sup> «هرمس» و مکتبی که به نام خود او به «مکتب هرمنوسی» موسوم شده، پدیده‌ای جهانی است و در تاریخ تمدنهای بزرگی مثل ایران، یونان و حتی مصر و بعدها در تمدن اسلامی هم می‌توان رد پای او و مکتبش را دید.<sup>[4]</sup>

### تاریخچه



ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳ - ۱۹۱۱) (راست)  
اشلایرماخر (۱۷۶۸ - ۱۸۳۴) (چپ)



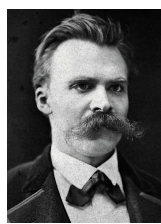
هرمنوتیک از نظر تاریخی به سه دوره تقسیم می‌گردد:

### هرمنوتیک کلاسیک

همزمان با عبور از قرون وسطی و از میان رفتن سیطره مسیحیت کاتولیک، کتاب مقدس از زیر سایه کلیسا خارج شد و به میان مردم آمد. در این زمان که مردم برای خواندن و فهم کتاب مقدس به آزادی رسیده بودند، نیاز به قواعدی بود تا از هرج و مرج در تفسیر پیشگیری کند و به خوانندگان، برای فهم درست و درک معنای اصلی متون راهکاری نشان دهد. شلایرماخر و ویلهلم دیلتای دو تن از دانشمندان این دوره بودند که اصول اولیه دانش هرمنوتیک را در قرن نوزدهم بنیان گذاردند. این دو معتقد بودند که یک معنای غایی و یک فهم نهایی از اثر وجود دارد؛ وظیفه مفسر است که با شناخت اثر، بررسی نشانه‌های درون متنی و اصلاح روش تفسیر تلاش کند تا بدان «معنای نهایی» دست یابد. دیلتای همچنین معتقد بود که برای فهم بهتر متن، باید به نیت مؤلف پی برد و دانست که او متن مورد نظر خود را به چه منظور و با چه هدفی آفریده است.<sup>[5]</sup> اشکال نظریات دیلتای این است که دست‌یابی به قصد و نیت مولف، به جهت

بعد زمان و مکان، همیشه مقدور و میسر نیست.

## هرمنوتیک فلسفی (محوریت مفسر و مخاطب)



فردریش نیجه (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰) (راست)

مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶) (چپ)

در قرن بیستم میلادی، تحول بزرگی در هرمنوتیک روی داد و این دانش پا به عرصه تازه‌ای گذاشت که عوامل اصلی این تحول را باید دانشمندان و فیلسوفان نامداری چون فردریش نیجه، مارتین هایدگر، هانس گئورگ گادامر، پل ریکور و ... دانست. در این دوره به جای تلاش برای روش‌مندسازی شیوه فهم، بحث از ماهیت فهم به میان آمد. فیلسوفان این عصر در صدد اثبات این نکته بودند که چیزی به نام «فهم نهایی» و مؤلفه‌ای تحت عنوان «نیت مؤلف» مطرح نیست. فهم آن چیزی است که در اندیشه مفسر نقش می‌بندد (تکیه بر محوریت مخاطب). فهم هر مفسر ریشه در زمانه، جامعه، فرهنگ و تربیت او دارد و این عوامل، محدوده عملکرد ذهن مفسر را ناخودآگاه در حصار می‌گیرد؛ او نمی‌تواند بیرون از این دایره بیندیشد و بفهمد. بنابراین فهم امری اتفاقی و مسبوق به پیشینه تاریخی مفسر است که به شکل یک واقعه (event) درون ذهن وی شکل می‌گیرد و به هیچ روی قابل کنترل کردن و تعریف در قالب روش و راهکار نیست. درک و استنباط هر خواننده، منحصر به خود اوست و به تعداد خوانندگان یک متن، فهم‌های متفاوت وجود خواهد داشت. اشکال عمده نظریات هرمنوتیک فلسفی این است که درسایه نسبی‌گرایی با نفی روش، هر فهم و استنباطی از اثر را قابل توجیه می‌داند و این امر را طبیعی و ناگزیر قلمداد می‌کند و بدین‌وسیله، راه را بر قرائت‌های متفاوت و بعضاً متضاد از یک اثر می‌گشاید. دو اثر مشهور این دوران یکی کتاب «هستی و زمان» از هایدگر و دیگری «حقیقت و روش» از گادامر است.

## هرمنوتیک مدرن

در دوران معاصر تلاش زیادی صورت گرفته است تا برخلاف هرمنوتیک فلسفی، شیوه و راهکاری خاص برای دستیابی به فهمی واحد ارائه شود. نمایندگان بزرگ این دوره «امیلیو بتی» (Emilio Betti) و «اریک هرش» (Eric Donald Hirsch) با نقد نظریات هایدگر و گادامر سعی در احیای آموزه‌های هرمنوتیک کلاسیک دارند و می‌کوشند برای دغدغه‌های ذهنی اشلاپرماخر و دیلتای قاعده‌ای منسجم و اصولی تعریف کنند: قاعده‌ای که هم «روش در فهم» را توجیه کند و هم به دریافت «فهم نهایی» از اثر نائل گردد. اریک هرش عقیده دارد که در تفسیر متن، دو برداشت مستقل از یکدیگر وجود دارد: نخست معنایی که از الفاظ متن دریافت می‌شود؛ دیگری شواهد آن معانی در دورانی که اثر تفسیر می‌شود.<sup>[6]</sup> سپس توضیح می‌دهد که معنای لفظی همواره ثابت است، اما شواهد آن معنا، در هر دوره‌ای فرق می‌کند. مثلاً معنای «قلم» در یک دوره ممکن است به «قلم‌نی» اطلاق شود؛ در دوره دیگر به «مداد زغالی» و زمانی هم به «خودنویس»! اما در تمامی این سه دوره، معنای قلم یک چیز بیشتر نیست: «وسیله‌ای برای نوشتن»! وی معتقد است که اگر چه همیشه نمی‌توان به معنای نهایی مورد نظر مؤلف دست یافت، اما با استخدام و تنقیح روش، ضمن نفی دریافت‌های نادرست و لغزان، می‌توان به درجه‌ای از فهم دست یافت که درست‌تر از بقیه و نزدیک‌تر به خواسته آفریننده اثر باشد، زیرا تفاسیر مختلف نمی‌توانند همگی صحیح باشند.<sup>[7]</sup>

## کتاب‌شناسی فارسی در زمینه هرمنوتیک

- هرمنوتیک، ادبیات، گفتگو با متن؛ عزت‌الله سپه‌وند، نشر علم، تهران ۱۳۹۱.
- درآمدی بر هرمنوتیک، احمد واعظی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آفرینش و آزادی، بابک احمدی، نشر مرکز.
- هرمنوتیک مدرن، ترجمه‌ی محمد نبوی، مهران مهاجر، بابک احمدی، نشر مرکز.
- هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی، جوئل واینسهایمر، ترجمه مسعود علیا، نشر ققنوس.
- علم هرمنوتیک، ریچارد پالمر، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، نشر هرمس.
- هرمنوتیک، کتاب و سنت، محمد مجتهد شبستری، انتشارات طرح‌نو.
- عوامل فهم متن، حمیدرضا حسنی، انتشارات هرمس.

## پانویس

- [1] خرد هرمنوتیک (<http://www.noormags.com/View/fa/articlepage/297344>)، بابک احمدی، کلک، خرداد ۱۳۷۲، شماره ۳۹، ص ۱۰. بازبینی شده در ۵ ژوئیه ۲۰۱۲.
- [2] علم هرمنوتیک، ریچارد پالمر، ص ۱۹.
- [3] درآمدی بر هرمنوتیک، احمد واعظی، ص ۲۴.
- [4] سپهوند ۱۳۹۱ (هرمنوتیک، ادبیات، گفتگویامتن) ۱۱-۱۸.
- [5] ساختار و تأویل متن، بابک احمدی، ص ۵۳۵.
- [6] درآمدی بر هرمنوتیک، احمد واعظی، صص ۴۷۴-۴۷۵.
- [7] درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۴۸۱.

## منابع

- هرمنوتیک، ادبیات، گفتگویامتن دکتر عزت‌الله سپهوند، نشر علم، تهران، ۱۳۹۱.
- درآمدی بر هرمنوتیک، احمد واعظی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.
- ساختار و تأویل متن، بابک احمدی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۰.
- آفرینش و آزادی، بابک احمدی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۹.
- علم هرمنوتیک، ریچارد پالمر، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، نشر هرمس، ۱۳۹۰.
- خرد هرمنوتیک (<http://www.noormags.com/View/fa/articlepage/297344>)، بابک احمدی، کلک، خرداد ۱۳۷۲، شماره ۳۹.

منبع: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?oldid=11661010> همکاران: Alifakoor, E235, Farhan.unworldly, Javad.mousavi, Khurasan, Mamouri, Mandro, Meisam, Mohsen, Raamin, **مهرنویک**, Rastgari, Senemmar, Shaheensasani, Smmmsadeghi, Suseleng, Taranet, Wik353

(1963–Artist is Lee Lawrie (1877 همکاران: Public Domain مجوز: Hermes-Lawrie-Highsmith.jpeg: پیرونده: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Hermes-Lawrie-Highsmith.jpeg> ,who explicitly placed the photograph in the public domain. (–Photographed 2007 by Carol Highsmith (1946 همکاران: Public Domain مجوز: Friedrich\_Daniel\_Ernst\_Schleiermacher.jpg: پیرونده: [http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Friedrich\\_Daniel\\_Ernst\\_Schleiermacher.jpg](http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Friedrich_Daniel_Ernst_Schleiermacher.jpg) ,Chris 73 همکاران: Public Domain مجوز: Dilthey1-4.jpg: پیرونده: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Dilthey1-4.jpg> (Photography by the Studio (Atelier) Dührkopp (Berlin همکاران: Public Domain مجوز: Msm-heidegger.jpg: پیرونده: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Msm-heidegger.jpg> Meisam, Senemmar همکاران: Public Domain مجوز: Nietzsche187a.jpg: پیرونده: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Nietzsche187a.jpg> F. Hartmann همکاران: Public Domain مجوز: Nietzsche187a.jpg: پیرونده: <http://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=Image:Nietzsche187a.jpg>

## اجازہ نامہ